

## الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران

حسین باقری<sup>۱</sup>

سید علیرضا عزیز موسوی<sup>۲</sup>

مصطفی لطفی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۳۰

### چکیده

امنیت بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و مهم‌ترین عامل دوام زندگی اجتماعی است. تأمین امنیت از مهم‌ترین وظایف و کارویژه‌های نظام‌های سیاسی است که بدون آن، هیچ‌یک از برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات حاکمیت مفید و مؤثر یا دستکم پایدار نخواهد ماند. در ذات مفهوم امنیت، عنصر پایداری وجود دارد، زیرا تأمین امنیت در شکل صحیح و واقعی خود در گرو تداوم و مانایی آن در طول زمان است. ضرورت طراحی نظام و سیستم امنیتی اسلامی در قالب منظومه‌های شفاف و کارآمد و مؤثر و اثربخش که مولد امنیت پایدار و اطمینان‌بخشی برای کشور و مردم باشد، از اهمیت بسیار مهمی برخوردار است و طبعاً چنین الگو و مدلی متناسب با ظروف زمانی (مقتضیات زمان) و ظروف مکانی (جامعه ایرانی) و توجه جدی به محیط پیرامونی قابل تحقق خواهد بود.

رویکرد امنیت پایدار، نوعی زمامداری همه‌جانبه، دیرپا و گسترده به‌شمار می‌آید که ریشه‌های امنیت و ناامنی را در عمیق‌ترین لایه‌های حیات جمعی جوامع جست‌وجو می‌کند و در پی آن است تا با تنظیم و تسبیق نهادینه روابط (ملت‌ملت) و (ملت‌حکومت) سازوکارهایی واقعی و کارآمد در بنیادی‌ترین سطوح اجتماعی و تضمین حداکثر امنیت براساس یک الگوی آینده‌نگرانه بپردازد.

بر همین اساس، در این پژوهش ارتباط مفهوم تعادل اجتماعی و امنیت ملی پایدار در جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است. محقق به روش توصیفی-تحلیلی در پاسخ به این سؤال که امنیت پایدار برای جمهوری اسلامی ایران چگونه خواهد بود؟ این نتیجه حاصل شد که پایداربودن امنیت باعث باورمندی جامعه، تقویت اراده، افزایش همگرایی، بالارفتن روحیه مقاومت و تقویت آرمان‌های یک ملت می‌گردد و الگوی امنیت پایدار که با مقتضیات فرهنگی، دینی و هویتی شکل گرفته باشد و زمینه‌ساز دستیابی به همه ارزش‌ها و آرمان‌های دینی و هدف‌های ملی و انقلابی باشد را الگوی تعادل‌محور می‌داند، که گزاره‌های اصلی آن از مکتب امنیتی اسلام به‌عنوان ایدئولوژی در جمهوری اسلامی گرفته شده است که ایمان به توحید در کانون این الگو قرار دارد و تربیت دینی راهبرد اصلی آن می‌باشد.

کلید واژه‌ها:

امنیت / امنیت ملی / تربیت / توحید / تعادل اجتماعی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مطالعات استراتژیک دانشگاه جامع امام حسین(ع) mosaviaziz52@gmail.com

۳. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

### مقدمه

امنیت یکی از مواهب الهی است که بشر همواره خواستار آن بوده است. جوامع انسانی همواره تلاش کرده‌اند به امنیت دست یابند و از آن پاسداری و حراست کنند. این تلاش بدان علت بوده که در سایه امنیت می‌توانند زندگی آسوده‌ای داشته باشند و به‌سوی هدف‌های عالی خود حرکت و برای توسعه و پیشرفت و آبادانی سرزمین خویش اقدام کنند. توسعه، رشد، پیشرفت و نوآوری بشر در طول تاریخ، همواره در سایه امنیت فراهم آمده است. امنیت به‌مثابه مقدمه و بستر همه چیز در عرصه انسانی است و نفی آن، به بی‌نظمی و هرج و مرج منتج می‌گردد و راه کمال انسانی با اختلال مواجه می‌شود.

مفهوم امنیت نسبی است و نسبت به زمان و مکان، موقعیت و رژیم سیاسی خاص تعریف متفاوت می‌یابد. عوامل بسیاری مانند زمان، ایدئولوژی، اوضاع و احوال بین‌المللی، موقعیت کشور و دیدگاه رهبران، در تعریف امنیت، میزان آن و نحوه کسب و حفظ آن تأثیر بسزایی دارند. نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که نام دیگر آن به تعبیر رهبر فرزانه «مردم‌سالاری دینی» است، تحت زعامت مقام عظمای ولایت، یکی از وظایف اصلی خود را تأمین امنیت مردم در تمامی ابعاد آن می‌داند.

در یک نظام سیاسی مردم‌سالار، یکی از وظایف اساسی دولت، تأمین امنیت تمامی افراد جامعه و ارزش‌های مثبت در آن جامعه است که برآیند تمامی وظایف و کارکردهای دولت در آن نظام محسوب می‌شود. این تأمین امنیت توسط دولت برای تمامی ارزش‌های مثبت و افراد جامعه تعبیر به امنیت ملی می‌شود. که جوهره آن عبارتند از:

حفظ جان و مال مردم، حفظ ارزش‌های مورد قبول عام در جامعه، حفظ تمامیت ارضی و سرزمینی، حفظ نظام سیاسی و اقتصادی و حفظ استقلال، حاکمیت کشور و عزت داخلی و خارجی.

مقطعی نبودن امنیت و تأمین آن با وصف پایداری، دغدغه اصلی تمام نظام‌های سیاسی است که باتوجه به شرایط خود در جهت آن اقدام می‌کنند. پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن، به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و... در کنار یکدیگر و در تعامل باهم توجه می‌شود. بدیهی است برای نظامی همچون جمهوری اسلامی ایران که متأثر از انقلاب اسلامی و منادی ارزش‌ها و آرمان‌های خویش است آگاهی از چگونگی، و تلاش برای فراهم ساختن تمهیدات ضروری برای تأمین امنیت پایدار، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. هرچند بعد از انقلاب اسلامی گفتمان‌ها و یا رویکردهای مختلفی در مورد الگوی سیاستگذاری امنیتی ایران از سوی محققان مورد توجه قرار گرفته است، ولی این امر بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی و فرهنگ بومی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، باید ضمن نگرش مجدد به میراث اسلامی، روایت نوینی از مفهوم و مؤلفه‌های امنیت تدارک نمود.

بنابراین محور اساسی مقاله حاضر، پژوهش درباره شناسایی الگوی متناسب و چگونگی ایجاد امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ به طوری که الگوی مفروض یک الگوی تعادل‌محور بوده که ریشه در مبنای گفتمان اسلامی امنیت دارد و باتوجه به این مفهوم دینی است که تعادل و به‌واسطه آن امنیت پایدار حاصل می‌شود.

### اهمیت و ضرورت موضوع

موضوع پایداری امنیت و اندیشیدن به آن و تلاش برای آن، به اندازه استقرار امنیت حائز اهمیت است، به‌ویژه که در ذات مفهوم امنیت، عنصر پایداری هم وجود دارد. پرداختن به امنیت بدان علت اهمیت دارد که از حیاتی‌ترین نیازهای بشر هم در مقیاس فردی و هم در مقیاس جمعی است. بنابراین نگاه به امنیت هم می‌تواند نگاهی

خردگرایانه، جزءگرایانه و میکروسکوپی باشد و هم جمع‌گرایانه، جامع و کلان‌نگر باشد. حفظ امنیت ملی کشور در ردیف یکم اولویت‌های حکومت‌ها قرار داشته و برای تأمین آن تمامی تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا این امنیت را به‌صورت پایدار برای عموم کشور خود فراهم ساخته و به پشتوانه آن استقلال و تمامیت ارضی کشور را حفظ کنند. احساس امنیت در میان مردم، می‌تواند به پتانسیل قوی تبدیل شود که افراد یک جامعه، بدون داشتن دغدغه‌های ناشی از عدم امنیت، به رشد و شکوفایی و توسعه نائل آیند. برقراری امنیت همه‌جانبه، پیش‌نیاز اصلی و شرط اساسی تحقق سایر هدف‌های مهم چون توسعه، آزادی و عدالت است و اساساً امنیت ملی در هر جامعه، برآیند و ماحصل امنیت آحاد مردم آن جامعه است و اقتدار حکومت برای حفظ امنیت ملی در ابعاد داخلی و خارجی با توافق جمعی همه مردم درخصوص مشروعیت حکومت و کارآمدی آن به‌دست می‌آید.

#### مفهوم‌شناسی امنیت

امنیت از نظر لغوی: ایمنی، آرامش قلب، خاطر جمع بودن (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۲۳) و همچنین مصدر جعلی از ریشه امن و حالتی است که در آن آسایش خاطر حاصل شود، معنی شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰).

امنیت از نظر اصطلاحی: حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی یا فیزیکی)، احساس ایمنی (امنیت داخلی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) معنی شده است (بوزان، ۱۳۸۹: ۵۲).

رویکردی دیگر معتقد است که امنیت پدیده‌ای مربوط به خارج و عینی نیست، بلکه نتیجه فرایند اجتماعی خاص است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۲).

برخی از اندیشمندان تعریف ایجابی از معنی امنیت ارائه کرده‌اند. شاخصه بارز در نظر این افراد، توانمندی بهره‌گیری از فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌ها و در معرض تهدید نبودن ارزش‌های به‌دست آمده است (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۶).

عده‌ای از امنیت‌پژوهان، از امنیت معنای سلبی اختیار و مهم‌ترین شاخصه آن را رهایی نسبی از جنگ و تهدیدهای زیان‌بخش و هر نوع برخورد فیزیکی قلمداد می‌کنند (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۱).

### برداشت جدید از مفهوم امنیت

امنیت دارای مفهوم سهل و ممتنع است. بعضی از دانشمندان، تنها به یک «نوع» از امنیت و عده‌ای دیگر، به یک «بعد» آن توجهی ویژه داشته و از سایر وجوه، انواع و ابعاد امنیت غافل شده‌اند که این امر از آثار ابهام‌انگیز مفهوم امنیت محسوب می‌شود (Dennis، ۲۰۲-۲۰۴: Wrong، ۱۹۹۴). این گستردگی، در چهار گونه اصلی قابل شناسایی است: اول اینکه مفهوم امنیت، از امنیت دولت‌ها به امنیت گروه‌ها و افراد، توسعه یافته است. این روند انتقالی رو به پایین از دولت‌ها به افراد است. دوم اینکه مفهوم امنیت، از امنیت دولت‌ها به امنیت سیستم بین‌الملل و یا محیط مادی مافوق ملیت‌ها تغییر نموده است. این توسعه رو به بالا بوده و از ملت‌ها به سمت زیست‌کره است. این گستردگی در هر دو مورد، متضمن توسعه انواعی از نهادهاست که تضمین‌کننده امنیت است. در مورد سوم، مفهوم امنیت به شیوه‌ای افقی و یا گونه‌ای از امنیت که متنوع است، گسترش یافته است. امنیت در نگاه سنتی، متأثر از پنداشت سلبی بوده و تنها راه رهایی، اعمال خشونت و کاربست قوای قهریه است. در نگاه مدرن، این رویکرد سلبی به نگرش ایجابی و چندبعدی تغییر کرد. چنین نگرشی، نتیجه منطقی تشکیل دولت‌های مدرن براساس مفهوم حاکمیت است که اقتدار در چارچوب مرزهای ملی و استقلال در روابط خارجی را معنادار ساخته‌اند.

حاکمیت، به‌عنوان مهم‌ترین مفهوم و محور اساسی نظریه دولت مدرن، دلالت بر حق انحصاری دولت برای استفاده از زور یا قدرت مشروع دارد که از یک‌سو ناظر بر کسب قدرت و توانمندی داخلی و از سوی دیگر، ناظر بر کسب استقلال و اقتدار بین‌المللی است. بنابراین در عرصه داخلی و در عرصه جهانی، امنیت دولت مدرن، زمانی معنا می‌یابد که قدرت برتر باشد و حتی اگر با نبود تهدید مواجه شود، جامعه‌ای ناامن

به حساب می‌آید. در عین حال، مطالعات سنتی امنیت محدود به درک تهدید، کاربرد و کنترل نیروی نظامی است. در این دیدگاه، امنیت به منزله امنیت کشور است که نیروی نظامی کشور دیگر آن را تهدید می‌کند و ارتش کشور مورد تهدید نیز دفاع از آن را بر عهده دارد. در گفتمان مدرن امنیت ملی، شاهد افزوده شدن وجه نرم‌افزاری امنیت، علاوه بر وجه سخت‌افزاری آن هستیم. با رسیدن به نقطه اوج ناامنی در نتیجه حاکمیت نگرش سلبی، مفهوم مدرن امنیت ملی شکل گرفت که مبتنی بر جنبه ایجابی و تأسیسی آن بود. در گفتمان امنیت ملی پایدار، با پذیرش متکثر و گسترده بودن گزاره‌های چالش‌ساز و همچنین وجوه نرم‌افزاری امنیت که در رویکرد متأخر (مدرن) مطرح است، بر نقش و محوریت عامل اجتماع، برای نیل به مراتب بالاتری از ثبات تأکید می‌شود. چنان‌که مک‌لارن<sup>۱</sup> معتقد است پایداری به‌عنوان توصیف‌کننده یک حالت مطلوب یا مجموعه‌ای از وضعیت‌های مقاوم در طول زمان است (Maclaren, ۱۹۹۶: ۱۸۵).

افراد و گروه‌ها در رویکرد مذکور از جایگاه و نقش برجسته‌ای برخوردارند و امنیت در چارچوب رضایت‌مندی قابل حصول است. از این منظر، مؤلفه‌هایی که در برقراری امنیت مدنظر قرار می‌گیرد، تا حدی متفاوت از موارد پیشین است. از مهم‌ترین مواردی که در این زمینه بدان تأکید می‌شود، اعتماد است که مشروعیت و جامعه‌پذیری سیاسی را به‌همراه خواهد داشت.

### الگوهای رایج امنیت پایدار

باتوجه به نظریات گوناگونی که در حوزه امنیت وجود دارد، درون هرکدام از این مکاتب و نظریات، ویژگی پایداری امنیت با نظر به مؤلفه‌های کلیدی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی به طریق خاص تعریف و عملیاتی می‌شود. در این بین، به‌صورت کلی می‌توان الگوهای موجود امنیت پایدار برآمده از این نظریات را در سه الگوی «قدرت‌محور» «تناسب‌محور» «انسجام‌محور» تقسیم کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. Maclaren

## ۱. الگوی قدرت محور

گروهی از نظریه پردازان علم سیاست، امنیت ملی را با توانایی و قدرت ملی یک کشور مساوی دانسته‌اند. بنابراین بازیگر سیاسی که در پی برخورداری از وضعیت امن و به‌ویژه امنیت پایدار می‌باشد، لاجرم باید بر اصل افزایش قدرت و مهم‌تر از همه بر قدرت نظامی همت گمارد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

دولت‌ها باید در مقام تجمع قدرت برآمده و به این وسیله توان خود را در کاربرد زور و قدرت تا حد امکان افزایش دهند (همان، ۱۵۹).

فردریک شومن<sup>۱</sup> نیز با عنایت به همین وجه است که امنیت را از منظر واقع‌گرایانه چنین تعریف می‌کند: «هر ملت کشوری ضرورتاً در پی آن خواهد بود تا با اتکا به قدرت خود، افزایش آن در قیاس با قدرت همسایگانش، اطمینان و امنیت را به ارمغان آورد» (Schuam, ۱۹۵۴: ۵-۶).

همچنان است که هانس مورگنتا سیاست و امنیت را عرصه مبارزه برای قدرت تعریف می‌کند و از قدرت به‌مثابه هدف و هم ابزار یاد می‌نماید (Morgenthau, ۱۹۵۸: ۲۵-۲۶). بنابراین در این حالت امنیت معنایی مترادف با قدرت پیدا می‌کند. از این‌رو در این الگو مفهوم قدرت نوعی سامان ذهنی و اثرگذاری فیزیکی است که از توانایی تغییر رفتار آغاز می‌شود رویکرد غالب در باب آن عموماً سخت و نظامی می‌باشد. مهم‌ترین اصول حاکم بر این الگو در ارتباط با قدرت و امنیت به اندیشه تلقی سلبی از امنیت باز می‌گردد بدین معنا که امنیت در برداشت نهایی در نبود تهدید فهم می‌شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۷).

## ۲. الگوی تناسب محور

دومین الگو در حوزه امنیت پایدار، الگوی تناسب محور می‌باشد. این الگو ریشه در مطالعات فراستنی دارد و بر تعدد ابعاد امنیتی تأکید می‌کند. بنابراین مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این الگو در مورد پایداری امنیت مورد توجه است، مفهوم تناسب بین ابعاد

---

۱. Frederic Schuam

اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، علمی و فناوری امنیت است؛ و امنیت پایدار با مفهوم تناسب در این ابعاد امنیت تعریف می‌شود.

در دهه ۱۹۶۰ در کشاکش جنگ سرد، طرح ایده امنیت مساوی است با توسعه، از سوی کِنِدی و مشاور امنیت ملی اش «مک نامارا»<sup>۱</sup>، دریچه جدیدی را در مباحث مربوط به ابعاد امنیت ملی گشود (عندلیب، ۱۳۹۰: ۳۴)، که به‌طور عمده بر مقوله اقتصادی و غیراستراتژیک (نظامی) مبتنی بود. از این پس، تهدیدهای امنیتی نه فقط تهدیدهای نظامی و آن هم از نوع خارجی، بلکه در کنار آن، تهدیدهای سیاسی و اقتصادی که عمدتاً از سوی نیروهای داخلی، مشروعیت و کارآمدی نظام‌ها را نشانه رفته بودند، مهم تلقی شدند (همان، ۸۹). در مجموع، حاصل تلاش پیگیرانه این گروه از اندیشه‌گران، سیمای نسبتاً جامعی از امنیت می‌باشد که در آن ابعاد متفاوتی چون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی، فضایی، فنی تکنولوژیک و نظامی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، توأمان مدنظر هستند. ویژگی بارز امنیت ملی در این دوران، آن است که از آن به‌مثابه «پروژه‌ای باز»<sup>۲</sup> یاد می‌شود که با گذشت زمان به تنوع و تعدد ابعاد آن افزوده می‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۸-۸).

چنین برداشتی از ابعاد امنیت ملی در این الگو به وضوح آشکار می‌کند کشوری دارای امنیت ملی است که در وضعیتی قرار داشته باشد که در آن به‌صورت نسبی یا کامل از تهدیدهای احتمالی نظامی، سیاسی و یا اقتصادی و سایر ابعاد دیگر به دور باشد. این موضوع نشان می‌دهد امنیت نیز در درون این الگو به‌صورت سلبی و نبود تهدید معنا می‌شود، ولی تهدید فقط به شکل نظامی آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ابعادی مانند اقتصادی، سیاسی و... از تهدیدهای مهم و بسیار دغدغه‌آفرین شناخته می‌شوند. در این الگو، محصول ترکیبی مزبور در مفهوم تناسب، «امنیت پایدار» نامیده می‌شود؛ و توسعه پایدار، مقدمه واجب امنیت پایدار است که در این حالت امنیت پایدار مستلزم توجه به

۱. McNamara

۲. Open project



تمامی وجوه امنیت است (۲۵-۳۰: D.Klaus, ۲۰۰۰). به عبارتی در اینجا تأکید بر نوعی توسعه متوازن و متناسب است که باعث تنظیم اقتدار می‌شود و چنانچه توسعه در جامعه نامتوازن باشد و بین ابعاد توسعه توازن برقرار نباشد، این امر زمینه‌ساز افزایش ناامنی و ناهنجاری خواهد شد. از این جهت این جامعه توان پاسخگویی به تهدیدها از جانب همه ابعاد را نخواهد داشت.

### ۳. الگوی انسجام‌محور

سومین الگوی امنیت پایدار که بیشتر در دنیای معاصر با نسل موج مدرن امنیتی آغاز می‌شود، تأکیدش بر بحث همگنی یا انسجام می‌باشد. در واقع در این دیدگاه امنیت کل واحدی نیست، بلکه در حوزه‌های مختلف آن ابعادی وجود دارد که باید در مقام امنیت‌سازی بتوانیم بین این ابعاد ارتباط هویتی ایجاد کنیم. بنابراین به تبع تغییر در منطق کنش‌های امنیتی و اهمیت یافتن عناصر غیرنظامی قدرت ملی در کنار عناصر نظامی آن و با فراتر رفتن مفهوم امنیت از بعد عینی و اهمیت یافتن عناصری چون فرهنگ، اراده و روحیه ملی در بعد ذهنی به‌ویژه هویت و تأکید بر زمینه‌وند بودن است که طرح مقوله ساخت اجتماعی در تحلیل امنیت، به یکی از مسلمات این حوزه مطالعاتی تبدیل می‌شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۸۱). در این حالت پایداری امنیت را در همگنی و انسجام هویت اجتماعی می‌دانند.

بنابراین موضوعی که دارای اهمیت است، به تناسب هویت کار کردن و همگن با هویت اقدام کردن است و از این رو اگر فرهنگ ما در قیاس با نظامی‌گری ما رشد کند، این تناسب است، اما اگر این دو بتوانند در هویتی مشابه هم رشد کنند و در این هویت باز تولید شوند، یعنی از درون فرهنگ، نظامی‌گری و قدرت‌محوری به‌وجود آید. این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی خواهد شد که هویت عامل انسجام‌دهنده و پایدارکننده آن خواهد بود. نتیجه اینکه امنیت را نمی‌توان مستقل از جامعه فهم کرد و لازمه پایداری آن بازتولید اجتماعی مفهوم امنیت است. می‌توان مصادیق این الگو را در

عصر حاضر در مکتب کپنهاک در قالب امنیت اجتماعی و اصطلاح «امنیت اجتماعی شده» مشاهده نمود.

فرآیندهایی چون دموکراتیزاسیون<sup>۱</sup>، حقوق شهروندی، جهانی شدن<sup>۲</sup> و مشروعیت قانونی، فضایی فراهم کرد که طی آن وزن جامعه در ترسیم و ارزیابی حرکت‌های دولت افزایش یافت. این امر به قدرتمند شدن جامعه و در نتیجه محدود گشتن دولت در اعمال محدودیت‌های سابق بر جامعه و بالاخره قوت یافتن فرآیندهای اجتماعی در مقابل تصمیمات سیاسی انجامید. از سوی دیگر، بخش مهمی از ابزارهای انحصاری دولت در اعمال خشونت و مهندسی اجتماعی، کم‌اثر شده و یا در اختیار شهروندان و گروه‌هایی قرار گرفته که بیش از هر چیز به نگرانی هویت خویش می‌اندیشند. بدین ترتیب در پی دسترسی جامعه به آگاهی و ابزارهای جدید قدرت، رضایت اجتماعی به اصلی‌ترین عنصر مشروعیت‌بخش دولت‌ها تبدیل شد (نصری، ۱۳۸۴: ۳۳۶-۳۱۱).

بنابراین انسجام‌محوری یکی از الگوهای امنیت پایدار است که به دلیل گستردگی و توسعه حوزه امنیت در جامعه ضرورت یافته است. نمی‌توانیم امنیت را صرفاً با الگوها و رویکردهای امنیتی و اقتصادی محقق کنیم (همان)؛ در این حالت امنیت وضعیتی تلقی می‌گردد که در آن هویت اجتماعی از آسیب مصون گردد و بنیاد روابط اجتماعی سیاسی بر پایه رضایت و نه قدرت استوار باشد، و با طرح این مفهوم (رضایت)<sup>۳</sup> است. اولین رکن این الگو برای ایجاد امنیت پایدار این موضوع تشکیل می‌دهد که امنیت را یک محصول فرایند تولیدی می‌داند که ریشه در روابط اجتماعی دارد و در آن نقش اصلی با جامعه است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۸۳). باتوجه به این موضوع، امنیت ماهیت ایجابی و تأسیسی<sup>۴</sup> دارد و امنیت زمانی به وجود می‌آید که جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان

۱. Democratization

۲. Globalization

۳. Satisfaction

۴. Establishment

برای پاسداری از ارزش‌ها و هویت خود دست یافته باشد (کاظمی زنجیر، ۱۳۷۰: ۱۱۶-۱۱۵). بدین معنا جامعه هویتی جامع دارد که سازمان قدرت نیز درون آن معنا می‌شود، و به واسطه آن الگوی امنیت پایدار انسجام‌محور به جای تکیه بر قدرت محض و فهم امنیت سلبی، بر بحث انسجام هویتی تولید شده در اجتماع تکیه دارد. این انسجام هویتی باید مورد حمایت دولت قرار گیرد که خود ساختی از امنیت را تشکیل می‌دهد و کارگزار جامعه و در ذیل هویت اجتماعی معنا می‌یابد. ایجاد مرجع اجتماعی بر منطقی هنجارگونه از جامعه و هویت استوار است. بر همین اساس رهیافت‌های متنوع و جدیدی از اوایل ۱۹۸۰ توسعه یافته‌اند، اما همان‌طور که فرهنگ روابط بین‌الملل اشاره می‌کند که گرچه معرفت‌شناسی‌های جدید ایجاد شده، ولی فرض‌های اساسی که این معرفت‌شناسی‌ها بر مبنای آن‌ها پایه‌ریزی شده‌اند، به‌ندرت در معرض آزمون و تحقیق قرار گرفته‌اند (نویدینا، ۱۳۸۸: ۲۲۹-۱۳۳).

### نقد و ارزیابی الگوهای رایج امنیت پایدار

#### نقد و ارزیابی از دیدگاه مکاتب گوناگون

##### ۱. نقد و ارزیابی الگوی قدرت‌محور از دیدگاه مکاتب گوناگون

معضلات امنیتی که در عصر نوین بعد از جنگ سرد ایجاد شد، تحولاتی را در منابع قدرت به وجود آورد که مفهوم و نحوه تأمین امنیت و حفظ آن نیز باتوجه به این تحولات دگرگون شد. در این دوره، دنیا شاهد فروپاشی و سقوط نظام‌هایی بود که به ظاهر از لحاظ توان و قدرت به‌ویژه سخت و نظامی چنین آینده‌ای برای امنیت آن‌ها از لحاظ پایدار بودن پیش‌بینی نمی‌شد. این مسائل باعث شد این الگوی تاریخی برای حل مسائل امنیتی به‌ویژه ایجاد امنیت پایدار به‌عنوان یک الگوی امنیتی برای جوامع، با چالش‌ها و نارسایی‌ها و انتقاداتی مواجه شود. مکاتب و نظریه‌های گوناگونی از زوایای مختلف به انتقاد و رد الگوی قدرت‌محور پرداخته‌اند. تأکید اصلی بر این موضوع است که امنیت صرفاً تابع قدرت نیست و امنیت فراتر از آن و متفاوت با تهدید و قدرت است.

از نظر منتقدان اگرچه قدرت می‌تواند نقشی در امنیت و پایداری آن داشته باشد، ولی قدرت نمی‌تواند لزوماً به‌عنوان عامل اصلی رابطه تعیین‌کنندگی با مدیریت پایداری داشته باشد. انحصار تأمین امنیت و هدف‌ها و منابع آن در چارچوب کسب قدرت و نمایش قدرت باعث پیدایش نگرش یک‌سویه غیرفعال و بی‌تحرک در عرصه‌های دیگر حیات اجتماعی جامعه خواهد شد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۹۴). این دیدگاه سایر عوامل مؤثر در ایجاد پایداری را از قلم می‌اندازد و محدود کردن سیاست در یک بعد، در حقیقت نفی جامعه‌شناسی سیاسی است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۷۱).

بنابراین امنیت نه یک مقوله تک‌بعدی، بلکه چندبعدی است و عوامل تأثیرگذار در آن نیز متعددند. این الگو به نوعی مرزبندی بین دولت و مردم به‌دلیل رابطه یک‌سویه از طریق اعمال قدرت در جهت امنیت پایدار می‌انجامد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۹۴-۹۲).

تمرکز بر امنیت قدرت‌محور با رویکرد نظامی، تصویر غلطی از واقعیت ارائه می‌دهد، این موضوع در سطح کلان باعث کاهش امنیت از جهت (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴) غافل‌شدن دولت‌ها از سایر مسائل می‌شود که مثال بارز آن اتحاد جماهیر شوروی می‌باشد.

تأکید بر قدرت، به‌عنوان عامل اصلی امنیت، در درون خود، پرورش‌دهنده ناامنی نیز می‌شود و از آن پس هر قدر قدرت افزایش یابد، لزوماً به افزایش امنیت منجر نخواهد شد و احتمالاً دارای نتایج معکوسی خواهد بود (همان، ۱۶۰).

بنابراین در اصل هستی‌شناختی این الگو، صرفاً یک جنبه از ماهیت و سرشت انسانی مورد توجه قرار گرفته است و جنبه‌های دیگر انسانی آن یعنی تمایل به همکاری و تعاون غفلت شده است (ستوده، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

## ۲. نقد و ارزیابی الگوی تناسب‌محور از دیدگاه مکاتب گوناگون

در الگوی تناسب‌محور امنیت پایدار، توسعه، محور اصلی پایداری می‌باشد، اما توجه به ابعاد امنیت در این الگو به‌لحاظ دیدگاه سلبی و تهدیدمحور، با چالش جدی مواجه شده است. در این دیدگاه تناسب در ابعاد نظام اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...) عامل ایجاد پایداری در فرایند توسعه بوده و نقص در توسعه در ابعاد گوناگون ملی

جامعه باعث ناپایداری شدن امنیت می‌شود. همچنین وظیفه توسعه در تمام ابعاد به عهده دولت می‌باشد و امنیت مفهومی است دارای ابعاد گوناگون که در نبود تهدید (سلبی) در این ابعاد نسبت به دولت معنی می‌شود.

بنابراین در پایان قرن بیستم، طیف جدید نیازمندی‌های انسان معاصر در عصر پسامادی‌گرایی و ظهور جنبش‌های نوین اجتماعی (که با مقوله فرهنگ و سیاست فرهنگی قابل تبیین هستند) حاکمیت اندیشه‌های پست مدرن، جهانی اندیشیدن سوژه‌ای محلی، گواهی بر زوال و ناکارآمدی تدابیر سیاسی و دولت‌محور می‌باشند (عباس‌زاده، کرمی، ۱۳۹۰: ۵۶-۳۱).

از رهگذر نقدهای فلسفی وارد آمده بر گفتمان سنتی، گفتمان امنیت سلبی در رویارویی با چنین چالش‌های نظری و شرایط متحول جهانی، دچار کاستی و سردرگمی گردید (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

### ۳. نقد و ارزیابی الگوی انسجام‌محور از دیدگاه مکاتب گوناگون

باتوجه به اینکه ایجاد مرجع اجتماعی بر منطقی‌هنجارگونه از جامعه و هویت استوار است، ولی فرض‌های اساسی که این معرفت‌شناسی‌ها بر مبنای آن‌ها پایه‌ریزی شده‌اند، به‌ندرت در معرض آزمون و تحقیق قرار گرفته‌اند (نویدینا، ۱۳۸۸: ۲۲۹-۱۳۳).

با سقوط و سرنگونی دولت قرقیزستان در ماه مارس سال ۲۰۰۵ می‌توان مشاهده کرد محدودیت‌های به‌کارگیری مفهوم امنیت اجتماعی در محیط غیرغربی بدون توجه به بستر خاص اجتماعی‌سیاسی چگونه است و موضوع‌هایی از جمله ارتباط مهاجرت و تبهکاری، مسائلی را به‌وجود آورده که دیگر صرفاً در قالب انسان‌دوستانه و انسجام اجتماعی قرار ندارد (همان، ۲۲۷-۱۵۷). این الگو به‌خاطر برابر دانستن هویت جامعه با هویت ملی، محکوم به شیء‌انگاری هویت و جامعه به‌گونه غیرقابل دفاع و خطرناک شده که این شیء‌انگاری هویت جامعه، سودمندی آن را کم می‌کند و حتی ممکن است درک نادرستی از تهدیدها به‌وجود آورد.

اکثر باورهای اجتماعی یا هنجارها و ارزش‌های عمومی که ادعا می‌شود جوامع را منسجم و یکپارچه می‌کنند و ایجاد انسجام اجتماعی می‌کنند، فوق‌العاده مبهم می‌نماید که حتی اگر به‌طور دقیق بیان نشوند، ممکن است موجهی برای کشمکش شوند.

این الگو تلاش دارد مفهومی از امنیت اجتماعی را به‌عنوان بدیلی برای امنیت ملی معرفی کند که کارکرد ایجاد پایداری در جامعه را دارا باشد، اما مفهوم امنیت اجتماعی به‌دلیل نوپایی و عدم برخورداری از ساختار سازمانی مشخص، نمی‌تواند بدیل و آلترناتیوی برای امنیت در گستره ملی محسوب شود. هرچند طرح این مفهوم را می‌توان به‌عنوان جزء مهمی از امنیت ملی تصور کرد (نویدینا، ۱۳۸۲: ۷۳-۵۳).

عنصر ایدئولوژیکی و نسبی بودن مفهوم امنیت از مهم‌ترین نارسایی‌های موجود در تعریف امنیت در این الگو می‌باشد.

#### نقد و ارزیابی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران

۱. نقد و ارزیابی الگوی قدرت‌محور از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران  
در مبانی اندیشه جمهوری اسلامی ایران بر الگوی قدرت‌محور و قدرت فیزیکی و مسائل نظامی به‌عنوان تأمین‌کننده نظم و امنیت تأکید شده است، لیکن در ارتباط با مفهوم قدرت، دارای تفاوت هستند. حضرت امام (ره) منبع پیشنهادی قدرت را در قدرت الهی، قدرت متافیزیکی یا امداد غیبی می‌بیند. ایشان در کتاب چهل حدیث در تشریح نوآوری خود از مفهوم قدرت، چنین می‌فرمایند: قدرت فقط در دستگاه قدس ربوبیت پیدا می‌شود و فاعل علی‌الاطلاق و مسبب‌الاسباب آن ذات مقدس است (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۴۴). آنچه که ملت را پیروز کرده، ایمان به خدا و عشق به شهادت بود. ملت ایران هیچ نداشت، ولی ایمان داشت و ایمان او را بر همه قدرت‌ها غلبه داد (صحیفه امام، ج ۱۶: ۱۹۷).

در اندیشه مقام معظم رهبری نیز چون قدرت فی‌نفسه ارزش ذاتی ندارد، باید با نگاه ابزاری با آن برخورد کرد و ارزش‌گذاری آن وابسته به غایت آن است. در این‌باره ایشان می‌فرمایند: قدرت فی‌نفسه یک وسیله است، نه می‌شود گفت فی‌نفسه بد است، نه

می‌شود گفت فی‌نفسه خوب است؛ بسته به آن است که در اختیار کی باشد؟ برای چه هدفی به کار برود؟ (فرمایش مقام معظم رهبری در دیدار با خبرگان رهبری، ۱۹/۶/۸۱).

بنابراین می‌توان در ارزیابی الگوی قدرت‌محور امنیت پایدار در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران گفت هرچند تکیه بر مفهوم قدرت در ارتباط با امنیت در اندیشه امنیتی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از پایه‌های ایجادکننده امنیت پایدار می‌باشد و قدرت و نیروی نظامی را یکی از عوامل اصلی امنیت می‌دانند، اما از دو جهت: اول اینکه در این اندیشه بر خلاف اندیشه قدرت‌محور که منبع اصلی قدرت را باتوجه به اصل هستی‌شناختی خود در قدرت مادی و در توان فیزیکی نظامی می‌داند، در اندیشه جمهوری اسلامی ایران، منبع اصلی، قدرت الهی و خداوند است که بر پایه ایمان باید به آن دست یافت. دوم اینکه در الگوی قدرت‌محور، امنیت پایدار را فقط حاصل کاربرد قدرت فیزیکی و سخت می‌داند و محدودیتی برای آن و شخص صاحب قدرت قائل نیست، که قدرت هم هدف و هم وسیله باشد، اما در اندیشه جمهوری اسلامی ایران باتوجه به اصل هستی‌شناختی توحیدی خود، قدرت در صورتی پذیرفته است که مقید به اصول اخلاقی و مکتبی باشد و هدف اصلی قدرت در این مکتب خلاصه شود، در غیر این صورت قدرت نه‌تنها عامل پایداری امنیت نیست، بلکه عامل ناپایداری امنیت می‌باشد.

## ۲. نقد و ارزیابی الگوی تناسب‌محور از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران

در اندیشه جمهوری اسلامی ایران، مفهوم امنیت دارای ابعاد گوناگونی است، حتی تمامی عرصه و ساحت‌های زندگی بشر را دربر می‌گیرد. دلیل این امر، آن است که مرکز ثقل مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، ایده اسلام به‌مثابه مکتب می‌باشد (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

در اندیشه حضرت امام (ره) این موضوع این‌گونه بیان شده است: مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی،

دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فرو ننموده است (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۰۳).

در نگاه حضرت امام(ره) هدف اصلی دولت‌ها به‌عنوان متولیان اداره و تدبیر امور جوامع انسانی جلوگیری از پیدایش مفسده و خروج آن‌ها از دایره فطرت انسانی است. بر همین اساس امنیت علاوه بر تأمین نیازمندی‌های مادی و دنیوی انسان‌ها، باید جهت‌گیری اصلی‌اش مبتنی بر فراهم ساختن بسترهای مناسب برای توسعه و تعمیق معنویت و هدایت آن‌ها باشد. این نکته دقیقاً وجه ممیزه رویکرد امام نسبت به دیگر متفکران در زمینه ابعاد امنیت می‌باشد. امام(ره) اهمیت بعد فرهنگی و تربیتی امنیت را چنین عنوان می‌دارد که: مسئله فرهنگ و آموزش و پرورش، در رأس مسائل کشور است؛ اگر مشکلات فرهنگی و آموزشی، تربیتی، به‌صورتی که مصالح کشور اقتضا می‌کند، حل شود، دیگر مسائل به آسانی حل می‌گردد (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۰۹).

ان‌شاءالله بعد از اینکه حکومت اسلامی استقرار پیدا کند، نقیصه‌ها را همه باهم باید رفع بکنیم، که در رأس آن‌ها فرهنگ است، فرهنگ اساس یک ملت است (صحیفه امام، ج ۷: ۵۷). بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً هر جامعه هویت موجودیت آن را تشکیل می‌دهد. با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدها اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، پوچ و پوک و میان‌تهی است (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۴۳).

تردیدی نیست که جهان‌خواران، برای به‌دست آوردن مقاصد شوم خود و تحت ستم کشیدن مستضعفان جهان، راهی بهتر از هجوم به فرهنگ و ادب کشورهای ضعیف ندارند (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۶۷).

مقام معظم رهبری در این زمینه از تعبیر امنیت فرهنگی و اخلاقی استفاده کرده‌اند: «نیروهای انتظامی باید در اجرای قانون، رعایت اخلاق را مدنظر قرار دهند و قانون را در عین قاطعیت با خوش‌رویی و مهربانی اعمال کنند. در جامعه که معیار و ملاک آن اسلام است، نیروی انتظامی باید متناسب با آن به حفظ و حراست از حساسیت‌های جامعه



بپردازد که تأمین امنیت اخلاقی جامعه نیز از آن جمله است (فرمایش مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۰/۱۱/۲).

باتوجه به منابع اصلی اندیشه جمهوری اسلامی ایران، هرچند در این اندیشه امنیت مفهوم چند وجهی و دارای ابعاد، حتی جامع‌الابعاد می‌باشد، امام باتوجه به محتوای دینی، که فقه را مرجع تأسیس مبانی در این نظام می‌داند و نشان‌دهنده ماهیت مکتبی این نظام است، باعث می‌شود در پرداختن به ابعاد امنیت بعد فرهنگی و تربیتی امنیت، از جایگاه ویژه برخوردار باشد. پس در اینجا دیگر تناسب بین ابعاد عامل پایداری نیست، بلکه امنیت فرهنگی زیربنای دیگر ابعاد امنیت است که برای ایجاد امنیت پایدار در نظام جمهوری اسلامی ایران باید در این حوزه بیش از ابعاد دیگر سرمایه‌گذاری کرد، و باتوجه به اهمیت فرهنگ و گره خوردن و پیوند مبانی اندیشه جمهوری اسلامی ایران با مفاهیم دینی و اسلامی، توسعه نیز دارای جوهری فرهنگی است که «تربیت» راهبرد اصلی آن می‌باشد.

### ۳. نقد و ارزیابی الگوی انسجام‌محور از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران

در اندیشه امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز امنیت به‌عنوان یک کالای اجتماعی مطرح است. از این لحاظ، الگوی امنیتی در جمهوری اسلامی ایران با الگوی انسجام‌محور امنیت پایدار دارای هم‌پوشانی‌های زیادی هستند، ولی به‌کارگیری آن به‌طور کامل در جامعه ایرانی، مقدور و میسر نخواهد بود. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: جمهوری اسلامی ایران، حکومتی است متکی بر ضوابط اسلام و قانون اساسی آن، اسلام است. متصدیان آن نیز حائز شرایط معین‌شده در اسلام هستند. بنابراین خطوط کلی این حکومت، اصول مسلم اسلامی است که در قرآن و سنت بیان شده و الگوی رفتاری آن شیوه پیامبر (ص) و امام علی (ع) در حکومت است (صحیفه امام، ج ۲: ۱۱۴).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای این هویت، ایجاد انسجام و وحدت می‌باشد. که امام خمینی (ره) در ارتباط با این موضوع می‌فرمایند: ملت‌ها و دولت اگر بخواهند به پیروزی و سعادت برسند، باید اعتصام به حبل‌الله کنند و از اختلافات و تفرقه بپرهیزند و فرمان

خداوند را مبنی بر «واعتصمو بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» را اطاعت کنند؛ چرا که التزام به وحدت و همبستگی مسلمانان، ریشه در قرآن، سنت نبوی و سیره ائمه معصومین دارد (صحیفه امام، ج ۶: ۱۲۲).

در اندیشه جمهوری اسلامی ایران درآمیختگی خاصی بین دین (اسلام) و دولت وجود دارد که بنیاد جدیدی برای امنیت ایجاد می‌کند. اسلام دین اجتماعی است و فلسفه آن قانونگذاری میان مسئولیت فردی براساس آیه «ولاتزر وازره وزر اخری»<sup>۱</sup> و «من يعمل سوءا یجزبه»<sup>۲</sup> و مسئولیت اجتماعی جمع کرده است. در این فلسفه، فرایض و تکالیف عینی فردی با تکالیف کفایی گروهی، در کنار هم قرار دارند. از این رو و بدین حکمت، امنیت در اسلام امری اجتماعی است.

بنابراین تأسیس تقویت ضریب امنیتی در جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک جامعه اسلامی، در گرو «الگوی انطباقی سازنده» بین جامعه، دین و دولت است. پس می‌توان گفت که مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، مفهومی اجتماعی است که اسلام در کانون آن قرار دارد و امنیت پایدار محصول انسجام دولت، دین و جامعه در بازتولید هویت اسلامی است. هویت اسلامی کانون و مرجع این امنیت بوده و عامل ایجاد انسجام بین جامعه و امنیت در قالب درونی کردن بازتولید در این هویت امکان‌پذیر است که در الگوی همانند الگوی انسجام‌محور امنیت پایدار کارکرد دارد. اما این الگو با اندیشه جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ متفاوت است. در الگوی انسجام‌محور امنیت پایدار، بر خلاف اندیشه جمهوری اسلامی ایران پایداری به صحت محتوایی آن نیست، بلکه به آن است که بتواند از لحاظ هویتی انسجام ایجاد کند، اما در جمهوری اسلامی ایران اسلام به‌عنوان اصل غیرقابل تجدید نظر حضور دارد که می‌توان این موضوع را در اصل ۱۷۷ مشاهده کرد.

۱. سوره فاطر، آیه ۱۸

۲. سوره نساء، آیه ۱۲۳

بنابراین هرچند امنیت در جامعه ایران مفهومی اجتماعی است، ولی حقانیت و مشروعیت به لحاظ محتوایی از اصل اسلام ناشی می‌شود که مطابق اصل ۱۷۷ قانون اساسی عبارت است از: «محتوایی اصل مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و هدف‌های جمهوری اسلامی و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۴۲).

پس ارکان الگوی انسجام‌محور امنیت پایدار بخش مهمی از واقعیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران را در قالب انسجام هویتی بیان می‌کند، ولی آنچه در این اندیشه، مهم تلقی می‌شود، اصل خود اسلام می‌باشد که محتوای ارزشی این انسجام و هویت است.

### الگوی پیشنهادی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران

هدف اساسی این مقاله ارائه یک الگوی پیشنهادی در ارتباط با امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران است. از آنجایی که امنیت مقوله‌ای «زمینه‌وند»<sup>۱</sup> است، یعنی اینکه آرمان‌ها ارزش‌ها و سنخیت و کم و کیف درون یک اجتماع بشری در شکل‌گیری و ویژگی مفهوم امنیت تأثیر بسزایی دارد، سیاست‌گذاری امنیتی یا ارائه الگوی امنیتی، عملی است که در محیط اجتماعی هر جامعه با هویت خاص انجام می‌گیرد که باید در ارائه الگو مورد توجه باشد. از این جهت می‌کوشیم تا با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات به‌ویژه مبانی اسلامی‌ایمانی جمهوری اسلامی ایران، الگویی را ارائه نماییم.

انقلاب اسلامی با تکیه بر ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی و با هدف والای استقرار و سیطره قوانین و موازین الهی در کلیه شئون حیات فردی و اجتماعی مردم ایران رخ داد. با پیروزی آن به رهبری امام خمینی(ره)، جوهر سیاست و به نحوه اولی منطق امنیتی تغییر کرد. ایده جمهوری اسلامی که توسط حضرت امام خمینی(ره) طرح‌ریزی شده بود؛

در آن جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام همچون سایر نظام‌ها و البته با ویژگی خاص خود از جمله ابتدا بر مبانی و منابع اسلامی و دارای آرمان‌ها، هدف‌ها و ارزش‌های گوناگونی می‌باشد که آن را با مسائل و موضوع‌های گوناگون مرتبط ساخته است (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۸).

بنابراین وقوع انقلاب اسلامی، منادی گفتمان جدیدی بود که بر گزاره‌های متفاوتی مبتنی بر پیوند جامعه و حکومت، اسلام، ایران، دین و سیاست تأکید می‌کرد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۶-۶۷). در گفتمان جمهوری اسلامی ایران اسلام دال برتر است که باتوجه به آن، نظامی است توحیدمحور که مرکز ثقل و پایه اصلی ارزش‌ها و آرمان‌های این نظام، اسلام به‌معنای مکتب می‌باشد. مکتب در این تلقی نوعی صورت‌بندی بینشی است که پشتوانه نظری و ایدئولوژیک تأسیس حکومت و تأمین و شیوه توزیع قدرت، ثروت و حیثیت را در جامعه تعیین می‌کند. ستون و مبنای فهم رفتار سیاسی و امنیتی در جو متافیزیکی اسلام قابل ترسیم می‌باشد. این نظام با همین اصول اسلامی توحیدی سعی در ارائه سیاست در راستای آرمان‌ها و ارزش‌ها به‌صورت رسالت‌گرا و متعهدانه دارد (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). از این منظر، اسلام به‌عنوان کانون محوری در ساختار قدرت قرار دارد.

تلقی مکتبی از اسلام به‌عنوان مکتبی که اندیشه جمهوری اسلامی ایران منشعب از آن است، اسلامی است فراگفتمانی و فرانهادی که یعنی نهادی مانند کلیسا نیست؛ مثل هوایی است که جامعه در چهارچوب آن نفس می‌کشد. به بیان دیگر، در همه حوزه‌ها و روابط اجتماعی عقیدتی حضور دارد و دینی اجتماعی به‌شمار می‌آید. ولی درعین حال صرفاً چهارچوبی برای اداره زندگی نیست، بلکه برنامه‌ای هدفمند برای تحول و به حرکت درآوردن جامعه به‌سوی مقصد عالی است که جهان‌شمول می‌باشد و آنچه در آن اصالت دارد، مرزهای اعتقادی است نه جغرافیایی (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۱۶۴).

ویژگی مهم هویت این نظام، آن است که اسلام در تمام شئون معرفتی و رفتاری آن نفوذ دارد و در مرکز هویت آن قرار گرفته که بدون شک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک رژیم مکتبی و ایدئولوژیک، بیش از دیگران به جنبه‌های ارزشی هویتی خود توجه دارد.

حضرت امام به‌عنوان معمار اندیشه جمهوری اسلامی از منظر توحیدی به تعریف و بازتعریف مفاهیم و الگوهای روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، انسانی، خارجی، نفی شخص پرستی، نفی شخصیت پرستی، نفی لذت پرستی، ظلم ستیزی، استبدادزدایی، حریت و آزادی، مساوات و برابری، قانون و قانون‌گذاری و... پرداخته و معتقد است: «انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او - یعنی برای رضای او - عمل کنند» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۷۸).

### ویژگی‌های امنیت در اندیشه جمهوری اسلامی

باتوجه به مفهوم و تلقی اسلام به‌عنوان مکتب که منشأ ایده جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، یکی از مهم‌ترین خرده‌نظام‌های ذیل این اندیشه، نظریه امنیتی است. بنابراین مفهوم امنیت در این اندیشه دارای ویژگی‌های خاص زیر بوده که از مکتب امنیتی اسلام تأثیر گرفته است.

#### • عقیدتی فرهنگی

تهدید ایده جمهوری اسلامی ایران، یعنی اسلام به‌مثابه مکتب، به‌منزله تهدید وجودی آن به‌شمار می‌آید. چرا که اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با دیگر نظام‌های سیاسی دنیا نخواهد داشت. بنابراین مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی، ویژگی عقیدتی دارد. زیرا در پی استقرار و گسترش اسلام به‌مثابه مکتب می‌باشد و هرگونه مانع در برابر این گسترش و تهدید استقرار آن، معضلی امنیتی به‌شمار می‌آید.

بنابراین امنیت دارای ویژگی فرهنگی است به این دلیل که رسوب و ته‌نشین شدن سبک زندگی مذهبی در جامعه ایرانی، که جمهوری اسلامی ایران را مستقر کرده است، تداوم امنیت و گسترش آن در گرو همین ویژگی و حفظ فرهنگ عمومی است.

#### • بسط‌محور

تلقی اسلام به‌مثابه مکتب، سعادت انسان در کل جوامع بشری را مدنظر دارد و آن را در گرو گسترش اسلام مکتبی در سراسر جهان می‌داند. نتیجه این روایت از ایدئولوژی

اسلامی، ارائه الگوی نوینی از امنیت بود که سطح تحلیل آن، جهان است (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴: ۴۳).

#### • جامع‌الابعاد

به این دلیل که مرکز ثقل امنیت در جمهوری اسلامی ایران، اسلام به‌مثابه مکتبی می‌باشد که فراگفتمانی و فرانهادی است و در همه عرصه‌های زندگی انسان حضور دارد، بنا به این بحث می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های اساسی مفهوم امنیت در این فضا جامع‌الابعاد بودن امنیت می‌باشد، یعنی تمام شئون مادی و معنوی انسان را دربر می‌گیرد. بنابراین الگوی پیشنهادی ما برای این زمینه اجتماعی با این ویژگی‌های خاص مفهوم امنیت، الگوی اسلامی‌ایرانی یا همان تعادل‌محور می‌باشد که ریشه در مبنای گفتمان اسلامی امنیت دارد. این الگوی تعادل‌محور، امنیت پایدار برای جمهوری اسلامی ایران را زمانی عملی می‌داند که توحید قاعده‌ای اصلی و زیربنای جامعه باشد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۹).  
باتوجه به این مفهوم دینی در این زمینه است که تعادل و به‌واسطه آن امنیت پایدار می‌شود. در ادامه کوشش می‌شود تا مبانی، اصول و نحوه روابط و تعامل متغیرهای این الگو مورد بررسی قرار گیرد.

#### مبانی و ریشه الگوی تعادل‌محور

با عنایت به فلسفه سیاسی اسلام که مبنای حکومت در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و به‌عنوان یک مکتب دارای مجموعه‌ای از گزاره‌های اصلی و بنیادی، که به‌منزله چارچوبی بر روی تمامی نظریه‌ها، رفتارها و سیاست‌های نظام حاکم است، بنابراین مبانی و ریشه الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران برگرفته از گفتمان امنیتی اسلام می‌باشد و از این‌رو بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام راجع به مفهوم امنیت، رجوع به منابع اولیه آن است.

مفهوم «ایمنی»<sup>۱</sup> در مکتب اسلام به‌طور ویژه‌ای مورد توجه است به‌گونه‌ای که در لایه‌ها و سطوح مختلف اعتقادی و رفتاری از سوی شارع مقدس رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(علیهم‌السلام) بدان اشاره شده است. جوهره اسلام بر «سلام» و «ایمنی» قرار دارد، چنان‌که حضرت علی(ع) اسلام را مایه «امان» دانسته که هرکس در آن درآویخت به آرامش و امنیت خواهد رسید و از صفات برجسته الهی «ایمنی بخشی»<sup>۲</sup> است. پاره‌ای از مفسران در مقام تفسیر آیه ۲۳ سوره مبارکه حشر آورده‌اند: اینکه در قرآن کریم از نام‌های خدای متعال به سلام یاد شده، دلالت بر آن دارد که خداوند مایه سلامت و «بخشنده ایمنی» است. ایمنی، شاخص راست‌کرداری فرد مسلمان و ویژگی بارز سلامت شبکه ارتباطات در جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید. به‌گونه‌ای که از قول معصوم می‌خوانیم: همانا مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبان او در آرامش و ایمنی باشند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴۵۲-۴۲۵).

از آنجا که اصل توحید، نوعی تمرکز برای کل هستی تعریف می‌کند و نوعی وحدت در ورای کلیه تکثرها شناسایی می‌کند که بر مدیریت کلان هستی حاکم است، این امر موجب نوعی «آرامش»<sup>۳</sup> و «اطمینان»<sup>۴</sup> است که مطابق نظریات جدید و پیشرفته امنیتی، جوهره «امنیت واقعی» به‌شمار می‌آید. به همین دلیل، «ایمان» و «ایمنی» در منطق الهی توأمان هستند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان را به شرک نمی‌آلاینند، ایمنی از آن ایشان است و ایشان هدایت یافتگان هستند» (انعام، ۸۲).

بنابراین دین اسلام پیش‌شرط اساسی سلامت و امنیت اجتماع را اعتقاد به خدا می‌داند (غرالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۳: ۴۳۵). به عبارت دیگر، «امنیت» در بستر گفتمان اسلامی جایگاه

---

۱. Safety

۲. Safety of

۳. Peace

۴. Confidence

و معنایی متفاوت از جایگاه و معنای رایج آن در نظام‌های سیاسی موجود می‌یابد که گستره آن در گفتمان اسلامی وسیع‌تر از نیازمندی‌های دنیوی است و تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد را به صورت توأمان در برمی‌گیرد. کاربرد واژگانی چون «اطمینان» و «سکینه»، در کنار مفاهیم سخت‌افزاری چون «عدم ترس» و «دفع خطر» دلالت بر آن دارد که امنیت پایدار واقعی تنها در صورتی محقق می‌شود که جسم و روح انسان به آرامش دست یابد.

### مفهوم تعادل<sup>۱</sup>

تعادل در لغت به معنی باهم برابر شدن، با یکدیگر راست آمدن، میزان برابری (مصدر) باهم برابر شدن، راست آمدن و همتابودن است. این مفهوم بیشتر در فیزیک کاربرد دارد و هنگامی که جسمی همه نیروهای وارد بر آن برابر صفر باشد، می‌گویند در تعادل قرار دارد. بیشتر این واژه با مفهوم «پایدار»<sup>۲</sup> به کار برده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت تعادل، در مفهومی وسیع به وجود نوعی توازن میان تعدادی از پدیده‌های وابسته به هم دلالت می‌کند. این توازن ممکن است آشکار و یا صرفاً پنهان و از لحاظ عینی، امری واقعی یا تخیلی و نیز ایستا یا پویا باشد (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۱۶۷).

از دیدگاه جامعه‌شناسان، تعادل در بعد اجتماعی آن به معنای وجود توازن رفتاری افراد در چارچوب قواعد حاکم و تنظیم‌کننده خواست‌های اجتماعی است. از تعادل یک جامعه یا فرهنگ، برای مشخص ساختن پیوستگی انسان و محیط اجتماعی یا فرهنگی او و همچنین به منظور درک اینکه آیا مجموعه اجتماعی یا فرهنگی از نیروی درونی به منظور ثبات و تداوم و انطباق برای پابرجا ماندن برخوردار است یا نه، استفاده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۰۳-۷۰۲).

در این الگو، جامعه همچون سازه‌ای مرکب در نظر گرفته شده که این سازه اگر بر قاعده اصلی خود قرار داشته و بنا شده باشد، در این صورت در حالت تعادل قرار دارد و

۱. Balance

۲. Stable



حتی با وجود فشار بیرونی (تهدید) اگر به صورت موقت از تعادل خارج شود، به علت اینکه در قاعده اصلی خود بنا شده است، دوباره به حالت اولیه و انسجام خود برمی‌گردد.

### الگوی تعادل محور و امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که اشاره شد مبانی الگوی تعادل محور باتوجه به هویت جمهوری اسلامی، ریشه در مبنای گفتمان اسلامی امنیت دارد. قبل از پرداختن به این الگو در این گفتمان، باید اشاره کنیم که هرچند قصد ما ارائه الگوی بومی از امنیت پایدار می‌باشد، اما این موضوع به این معنی نیست که تجربیات مکاتب و الگوهایی که مبانی و شاخص‌های آن‌ها علی‌القاعده از عقل بشری بیرون آمده، مورد تأیید نیست.

باتوجه به بحث تعادل اجتماعی، این موضوع مطرح می‌شود که این مؤلفه‌ها باید بر روی قاعده اصلی پایه‌گذاری شوند تا بتوانند ایجاد ثبات و پایداری کنند، ولی به‌تنهایی نمی‌توانند مبانی ایجاد امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران باشند. همین‌طور امروزه در بحث شیوه‌های عدم تعادل اجتماعی و در نتیجه ضعف امنیت پایدار در کشورهای اسلامی را باید از نگرش الگوی غربی دانست که بر روی قاعده درست خود بنا نشده و منجر به سرگردانی می‌گردد. بنابراین پایداری امنیت در گفتمان اسلامی در مکتب امنیتی اسلام به‌عنوان یک گفتمان مستقل که الگوی جمهوری اسلامی ایران منشعب و زیرمجموعه‌ای از آن است، روی شاخص‌های دیگری بنا شده است. در این گفتمان بحث پایداری معنای خاص دارد و با گفتمان دیگر مکاتب موجود، متفاوت است.

همان‌طور که در قسمت مبانی این الگو نیز اشاره شد توحید و ایمان ارتباط مستقیمی با مفهوم امنیت دارند و قاعده اصلی که سازه امنیتی این الگو در آن استوار می‌شود «اصل توحید» است. بر این اساس به‌نظر می‌رسد پشتوانه موجودیت و ایجادکننده امنیت در نظام جمهوری اسلامی به‌منزله یک نظام مکتبی نوعی از «سبک زندگی»<sup>۱</sup> است که باید مورد تبلیغ و سرمایه‌گذاری قرار گرفته و نهادینه شود. با تداوم رفتار و زیست در

۱. Life Style

چهارچوب آن، باعث بازتولید مکتب و مؤلفه‌های آن می‌شود و تداوم آن را تضمین می‌کند (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

بنابراین در این الگو امنیت حالت ایجابی دارد و باید از درون اجتماع باتوجه به بحث هویت دینی، ساخته و پرداخته شود. اصل این بحث به این موضوع برمی‌گردد که یک جامعه مکتبی با ایدئولوژی اسلام که اصل توحید در مرکزیت آن قرار دارد، چه در حوزه سخت‌افزاری، چه در حوزه نرم‌افزاری امنیت، زمانی به پایداری و استحکام می‌رسد که باتوجه به رسالت امنیتی و تربیت امنیتی انسان‌هایی پرورش پیدا کنند که واقعاً به توحید به‌مثابه اصل تعادل‌کننده ایمان داشته باشند و دچار شرک امنیتی نشوند و انسجام خود را در پیوند با این اصل بدانند. در این حالت، جامعه همانند یک سازهٔ هندسی در قاعده تعادل خود استوار شده است و امنیت به‌عنوان یک کالای اجتماعی برآمده از این رضایت جامعه در حالت پایدار قرار می‌گیرد.

در این الگو حقانیت، «مشروعیت»<sup>۱</sup> و پذیرش، از اهمیت خاصی برخوردار هستند که تفاوت‌های اصلی این الگو را با سایر الگوها و مکاتبی که بر اهمیت اجتماعی امنیت و بازتولید هویتی تأکید دارند در این موضوع نهفته است. جامعه‌ای که می‌پذیرد اسلامی باشد، باید شالوده خود را بر پایه ارزش‌های الهی پی‌ریزی کند و بیش از هر چیزی باید گفتمان توحیدی در تمام ارکان آن هویدا باشد.

### ارکان الگوی پیشنهادی (تعادل‌محور)

#### ۱. توحید

توحید مبین ولایت حقیقی و حاکمیت واقعی الله بر تمام جهان و انسان است و هیچ‌کس و هیچ چیز در جهان مستقل از قدرت خدا، اراده، اختیار، سلطه، حاکمیت، تدبیر و مشیت او وجود ندارد. حاکمیت مطلق در عالم تکوین و تشریح، از آن اوست. این

---

۱. Legitimacy

مفهوم مهم‌ترین ارزش کانونی نظام جمهوری اسلامی نیز می‌باشد که در همه منابع معتبر آن مورد تأکید واقع شده است.

#### ۲. تعادل اجتماعی

تعادل اجتماعی بیان‌کننده شیوه بدیعی است که یک گروه یا جامعه - در جهت ایجاد سازمانی برای ارضای نیازهای فردی و جمعی، تمهید نهادهایی منطبق با شرایط نو و انجام کارکردهای گوناگون حیات جمعی - به کار می‌برند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۵۴).

مفهوم تعادل با ثبات و پایداری در یک جامعه رابطه بسیاری نزدیکی دارد و اگر جامعه دارای تعادل باشد، لزوماً دارای ثبات نیز است. در بحث تعادل اجتماع و ایجاد آن همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد ارزش‌های اساسی در هر جامعه و نظام سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مورد جمهوری اسلامی ایران اصل توحید در کانون ایجاد تعادل قرار دارد و تا زمانی که این ارزش زیر بنای تعادل باشد، جامعه در ثبات قرار دارد.

#### ۳. ایمان

منظور از ایمان یعنی اعتقاد به همان اصل اساسی توحید در همه امور فردی و جمعی. در نظام جمهوری اسلامی چنین اعتقادی زمینه توحید باوری با عنوان اصل اساسی و تعادل اجتماعی را فراهم می‌آورد.

#### ۴. تربیت

تربیت پایه و اساس هرگونه اقدام و برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاسی است که کم‌وکیف تربیت آحاد جامعه به شکل‌گیری نوع خاصی از مفاهیم، پدیده‌ها و ساختارها منجر می‌شود (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۲۳).

آنچه موجب بقا و تداوم ارزش‌های اساسی می‌گردد، نوع تربیت دینی، فرهنگ و باوری است که در افراد آن جامعه به وجود می‌آید تا در بهترین شرایط، زمینه پایداری فراهم شود. بنابراین در این دیدگاه تربیت رکن اصلی جامعه‌سازی است. ما در این الگو از واژه تربیت دینی استفاده می‌کنیم که منظور این است که دین نوعی سبک زندگی است و تربیت دینی فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می‌سازد (هاونگی

۱۳۸۴: ۴۱۰-۳۸۷). پس جهت تربیت در جامعه ایرانی، باید ایمان به توحید باشد که باعث بازتولید آن به منزله ارزش اساسی که زیربنای تعادل در جامعه است شود. نهادهای آموزشی در بازتولید و اجتماعی شدن این اصل، نقش اساسی دارند.

##### ۵. مشروعیت

مشروعیت یکی دیگر از ارکان این الگوست، که از دو جنبه قابل بررسی می باشد؛ یکی به این موضوع اشاره دارد که باتوجه به اعتقاد توحیدی در کانون ارزش ها، این الگو از نوعی مشروعیت برخوردار است و نشان می دهد کارکرد آن بیشتر به محتوای آن برمی گردد؛ و دوم به بحث تربیت دینی و پذیرش توسط شهروندان مربوط می شود.

#### ویژگی های امنیت در الگوی امنیت پایدار تعادل محور

##### ۱. امنیت به عنوان مفهومی ایجابی تا سلبی

در این الگو نگاه به مفهوم امنیت بیشتر ایجابی است که با تکیه بر مفهوم تربیت دینی قصد امنیت سازی در اجتماع دارد. بنابراین می توان گفت مبنای امنیت، بر رضایت و پذیرش استوار شده و هدف گذاری ها برای تحقق جامعه ای امن و بر مبنای مقولاتی همچون تعادل اجتماعی، انضباط، آسایش، جامعه پذیری و... می باشد.

##### ۲. امنیت به عنوان مفهومی اجتماعی

در این الگو باتوجه با رویکرد ایجابی و بحث تربیت دینی، امنیت یک مفهومی اجتماعی است و مبانی آن در جامعه ساخته و پرداخته می شود و زمانی امنیت در این الگو پایدار می شود که جامعه ای باتوجه به بحث تربیت دینی که مبنای آن توحیدی است، اجتماعی شود و همگن با هویت در درون این اجتماع عمل کند.

##### ۳. تهدید نرم، مقدم بر تهدید سخت

در این الگو باتوجه به اینکه توحید اصل اساسی محسوب می شود و در کانون تعادل اجتماعی قرار دارد و ثبات و امنیت به حفظ آن بستگی دارد، بنابراین هر عملی که تحول

یا تغییری در آن ایجاد کند، تعادل اجتماعی را برهم می‌زند. پس تهدید نرم یا «جنگ نرم»<sup>۱</sup> در این الگو از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

۴. امنیت به‌عنوان یک مقوله تربیتی

امنیت در این الگو مقوله‌ای آموختنی و تربیتی است و مقوله‌های سیاسی و نظارتی و اجباری، باتوجه به اصل تربیت معنی و جهت پیدا می‌کند.

۵. ایمان به‌عنوان یکی از مشتقات امنیت

آدمی در پرتو ایمان، به آرامش و صلح و امنیت درونی و بیرونی می‌رسد. مؤمن هم «سوژه» و هم «ابژه» امنیت است. به بیان دیگر، مؤمن همان کسی است که خود را به امنیت رسانیده و در پرتو آن در عالم درونی و بیرونی آرام و قرار یافته است. از این منظر، نوعی هم‌پوشانی و انطباق معنی‌دار و تنگاتنگ میان ایمان و جامعه امن وجود دارد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۸۲-۷۵).

مزایای الگوی امنیت پایدار تعادل‌محور

۱. تأکید توأمان بر ارزش‌ها، آرمان‌ها و واقعیات

در این الگو تأکید توأمان بر ارزش‌ها، آرمان‌ها و واقعیات وجود دارد. توحید به‌منزله ارزش اساسی جمهوری اسلامی، محور تعادل اجتماعی است و آرمان‌ها و هدف‌ها حول آن شکل گرفته‌اند که تربیت دینی راه حل اجرایشدن آن‌ها در جامعه می‌باشد. پذیرش شاخص‌های الگوهای رایج امنیت پایدار از آن جهت که برآمده از عقل و تجربه بشری هستند، بخشی از واقعیت مربوط به پایداری امنیت را بیان می‌کنند.

۲. تحقق نظم مبتنی بر رضایت و مشروعیت

از آنجاکه ایدئولوژی سیاسی اسلام مبنای حکومت است، پس طراحی الگویی که اصل توحید در کانون آن قرار دارد، دارای نوعی مشروعیت کاربردی است؛ در این الگو اصل

۱. Soft War

تربیت دینی در اجتماع و تکیه بر مردم برای مشارکت در ایجاد امنیت، مطابق رضایت معنی می‌دهد. یعنی مطابق ملازمت اصول اسلامیّت و جمهوریّت می‌باشد.

۳. اعتبار به واسطه بومی بودن و کارایی

از آنجاکه امنیت‌سازی یک مفهوم اجتماعی است که در هر زمینه اجتماعی خاص می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد، در این الگو از دو جهت بومی بودن بر آن صدق می‌کند: اول توجه به مؤلفه‌های اساسی شکل‌دهنده نظام جمهوری اسلامی ایران مانند اصل هستی‌شناختی، ارزش‌ها، آرمان‌ها و هویت در ارائه الگو. دوم در جهت ارائه الگوی پیشنهادی برای این زمینه از مؤلفه‌های بومی از جمله توجه به اصل ایمان و توحید و نقش تربیت دینی استفاده شده است. جدول ذیل، الگوهای امنیت پایدار را به صورت خلاصه باهم مقایسه می‌کند.

مؤلفه‌ها الگوها	مبانی و ریشه	مفهوم اساسی	وجه امنیت (اولویت اساسی)	نگرش به امنیت	ابزار	ارکان الگو
قدرت محور	واقع گرایی	قدرت	نظامی‌گری	بیرونی، عینی، سلبی	قدرت نظامی	قدرت، بازدارندگی، هژمون، تبعیت
تناسب محور	فراستنی	تناسب در ابعاد امنیت	تعدد ابعاد امنیت	عینی، سلبی، تهدیدمحور	توسعه	توسعه، تناسب، ابعاد امنیت
انسجام محور	کپنهاک	انسجام اجتماعی	نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی	درونی، ایجابی	انسجام هویتی	هویت، انسجام، رضایت، امنیت اجتماعی شده، نهادمندی
تعادل محور	اسلام	تعادل اجتماعی	جامع‌الابعاد	درونی، ایجابی	تربیت دینی	توحید، ایمان، تربیت، تعادل، مشروعیت

### نتیجه‌گیری

هدف اساسی این پژوهش، شناسایی الگوی مناسب در ارتباط با امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران بود. الگویی که از طریق به‌کارگیری آن قادر باشد تا به بهترین

نحو، امنیت خویش را در عصر پرتلاطم کنونی پایدار نماید. ابتدا به شناسایی و بررسی الگوهای رایج امنیت پایدار (قدرت محور، تناسب محور، انسجام محور) از دیدگاه مکاتب گوناگون و از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران به نقد و بررسی آن پرداختیم. مشخص شد هرچند این الگوها بخشی از واقعیت امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران را بیان می‌کنند و می‌توانند به عنوان یکی از ارکان الگوی امنیت پایدار در این نظام مطرح باشند، اما نمی‌توانند به عنوان یک الگوی منحصر به فرد مبنایی برای پایداری امنیت باشند.

در ادامه به این موضوع اشاره شد که جمهوری اسلامی، نظامی است توحید محور با مرکزیت اسلام به منزله مکتب و ایدئولوژی سامان دهنده به همه امور از جمله بحث امنیت که ویژگی‌های امنیت نیز متأثر از این اصل است. باتوجه به نکات یاد شده و با بهره‌گیری از مفهوم تعادل و تعادل اجتماعی، به ارائه الگوی مدنظر پرداختیم. باتوجه به نظریه تعادل اجتماعی که ارزش‌های اساسی هر جامعه را مؤثر در ایجاد تعادل اجتماعی در آن جامعه می‌داند، با تغییر یا تهدید این ارزش‌ها، تعادل اجتماعی نیز به خطر می‌افتد. بنابراین مادامی که ارزش‌های اساسی در جامعه در ارتباط و تأثیر بر عمل و افکار اجتماعی هستند، جامعه حالت تعادل خود را حفظ می‌کند. از جهت دیگر با بررسی اندیشه جمهوری اسلامی مشخص شد ایدئولوژی اسلام مبنایی حکومت در جمهوری اسلامی ایران است و مبنایی امنیت نیز برگرفته از گفتمان امنیتی اسلامی می‌باشد که در آن ایمان به توحید، ارتباط مستقیمی با امنیت دارد.

باتوجه به این مباحث، به ذکر الگوی مطرح شده با پنج رکن توحید، ایمان، تربیت، مشروعیت و تعادل پرداختیم. در این الگو توحید به منزله ارزش اساسی و نقطه کانونی تعادل است که باید ایمان به آن با راهبردی تربیتی در جامعه تقویت شود. مادامی که توحید در کانون تعادل و ارزش اساسی در این اندیشه محسوب شود و زیربنای سازه امنیتی در جمهوری اسلامی ایران است و تهدیدی نسبت به تغییر یا تضعیف آن وجود ندارد، امنیت در هویت جمهوری اسلامی ایران پایدار می‌باشد. برای تقویت یا بازتولید آن، راهبرد دینی در چند بعد در نهادهای تربیتی رسمی و غیررسمی باید پیگیری شود.

در حال حاضر شاهد هستیم که سیاستگذاری‌ها بیشتر بر روی دلایل متمرکز شده‌اند و سعی در کنترل تهدیدها داشته و نگاه ایجابی به امنیت و راهبرد تربیتی کمتر مورد توجه بوده است. بنابراین ما الگوی تعادل محور امنیت پایدار با راهبرد تربیتی را در این برهه زمانی، مناسب‌ترین الگو می‌دانیم که می‌تواند به امنیت پایدار در جمهوری اسلامی بیانجامد.



## منابع

- «قرآن مجید».
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «امنیت در حال گذر (تحول معنایی امنیت در قرن بیست و یکم)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۱۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «ساخت دولتی امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، «کالبد شکافی تهدید»، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- افتخاری، اصغر، نصری، قدیر (۱۳۸۳)، «روش و نظریه در امنیت پژوهی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امام خمینی، روح الله، «صحیفه امام»، جلد‌های ۲، ۵، ۶، ۱۵، ۲۱.
- بوزان، باری (۱۳۸۹)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۴)، «استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی» (مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، «جامعه امن در گفتمان خاتمی»، تهران: نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، «مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی ج.ا.ا؛ رهیافت‌ها و راهبردها»، جلد اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
- تریف، تری، و دیگران (۱۳۸۳)، «مطالعات امنیتی نوین»، ترجمه علیرضا طیب و حمید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷)، «نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۴۱۲)، «مفردات الفاظ القرآن»، بیروت، دمشق: دارالقلم، الدارالشامیه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، «دائره‌المعارف علوم اجتماعی»، تهران: کیهان.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، «دائره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب دوم)»، تهران: کیهان.
- عباس‌زاده، هادی، کرمی، کامران (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۵۱.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت؛ مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی»، تهران: ابرار.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، «نظریه‌های امنیت»، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر.
- تمیمی، عبدالواحد ابن محمد (۱۳۸۳)، «غررالحکم و دررالکلم»، ترجمه محسن موسوی، قم: دارالحديث.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، «فقه سیاسی»، تهران: امیرکبیر.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۳)، «نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- قرشی‌بنایی، علی‌اکبر (۱۴۱۲)، «قاموس قرآن»، جلد اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، مجید (۱۳۸۴)، «نقش نهادهای آموزشی در برقراری، نظارت و حفظ امنیت ملی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: آشنایی.
- کاظمی زنجیر، علی‌اصغر (۱۳۷۰)، «تنازعی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل»، تهران: قومس.
- متقی، ابراهیم، پوستین‌چی، زهره (۱۳۹۰)، «الگوها و روندها در سیاست خارجی ایران»، قم: دانشگاه مفید.
- مطهری‌نیا، مهدی (۱۳۸۴)، «دیرینه‌شناسی و تبارشناسی گفتمان امنیت در ایران»، تهران: پرسمان.

- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، «صحیفه امام»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  - نصری، قدیر (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی امنیت ملی» (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲۸.
  - نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹.
  - نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، «امنیت اجتماعی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
  - هاونگی، حسین (۱۳۸۲)، «تربیت دینی و امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: گلپونه.
  - Klaus D. Geopolitics In a Changing World. London: Prentice Hall , ۲۰۰۰.
  - Maclaren V.W. Urban Sustainability Reporting. Journal of American Planning Association ۱۹۹۶ Spring , Vol (۶۲).
  - Morgenthau H. politics Among Nations:The Stuggle For power and peace. New York: Knopf, ۱۹۴۸.
  - Schuman F. Inrenationl politics ,Fourth edition. New York: McGraw Hill, ۱۹۵۴.
- Wrong D, The Problem of Order. Cambridge Harvard University ,
- ۱۹۹۴.